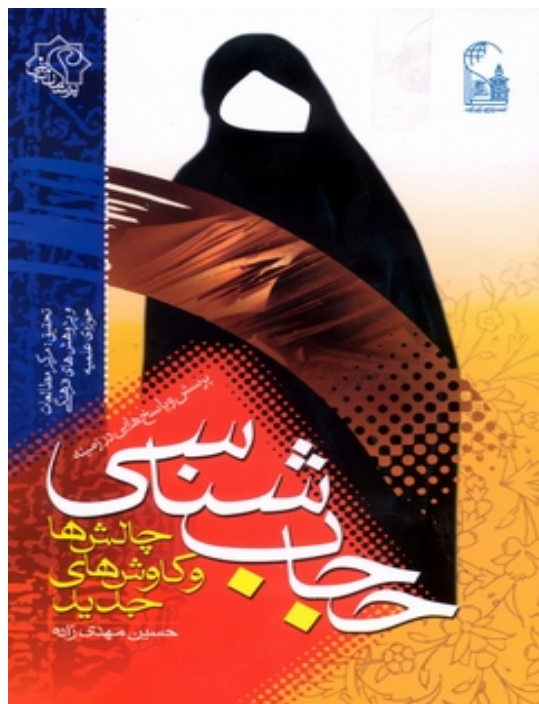


بنام خداوند رحمان و رحیم

نام کتاب : گستره عفاف به گسترده‌گی زندگی



کاری از : محمد مهدی حاجی پروانه

نویسنده : حمیده عامری

www.mmmhp.blogfa.com

«اللهم انى اسئلك الهدى والتقى والعفاف والغنى والعمل بما تحب وترضى»¹

خداوند متعال نسخه های هدایت و سعادت بشریت را به واسطه پیامبران ، هادیان و راهبران مصلح برای امتهای مختلف فرستاده است، که کاملترین آنها در دین مبین اسلام متجلی است، این دستورات بر اساس شناخت دقیق ابعاد گوناگون وجودی انسان، متضمن دستیابی به زندگی شایسته و نیل به کمال حقیقی و سلامت جسم و روح اوست .

در آیین مقدس اسلام، برنامه تربیت بر اساس احیای تمامی تمایلات فطری و هدایت همه خواهش های طبیعی بشر استوار است و شناخت این تمایلات فطری و ارضای صحیح و معتدل هر یک از آنها اساسی ترین پایه تربیت انسان می باشد . چنین تربیتی هماهنگ با نظام حکیمانه خلقت و بر وفق قانون آفرینش است، انسان را به شایستگی می سازد و موجبات خوشبختی و سعادت ابدی او را فراهم می کند.

«فاقم وجهک للدين حنیفا فطرت الله الی فطر الناس علیها»²

گرایش به زیبایی از قبیل : زیبا پوشیدن، زیبا سخن گفتن، خود را آراستن، معطر کردن و تمایلات جنسی، همه و همه اموری است که از فطرت انسان برمی خیزد.

آنچه مهم است، نگهداشتن حریم و خارج نشدن از حد اعتدال در این موارد می باشد، نه سرکوب کردن خواهشها و تمایلات فطری و درونی و نه تند روی و افراط در آنها، اساسا معنای عفت همین است. یعنی شخصی عقیف و پاکدامن است که بتواند شهوات و غرایز خود را تحت کنترل در آورد، به طوری که از حد اعتدال خارج نگردد.

پافشاری بر منزلت عفاف در دین اسلام تا جائی است که امام المتقین، امیر مؤمنان حضرت علی ابن ابیطالب (علیه السلام)، مقام و جایگاه عقیف را با مقام شهید در راه خدا مقایسه می کند.

«ما المجاهد الشهید فی سبیل الله باعظم اجراً ممن قدر فعف لکاد العقیف ان یکون ملکاً من الملائکه».

پادشاه مجاهد شهید در راه خدا، بزرگتر از پادشاه عقیف پاکدامنی نیست که قدرت گناه دارد و آلوده نمی گردد. همانا عقیف پاکدامن فرشته ای از فرشته هاست .³

اما با کمال تأسف، همزمان با گام نهادن بشر به سکوی آسمان و حکمفرمائی فن آوری بر مغز و اراده بشر، فرشته عفت و اخلاق نیز از بسیاری جوامع رخت بریست. زن که مظهر عفاف، حیا و عشق و رزق به قداست و پاکی، مام بشریت محسوب می شد و تداعی صفات فرشتگان در روی زمین و کانون گرم خانواده می نمود، به عنوان ابزاری بی مقدار در کوی و برزن چون کالائی در دست طماعان و گردانندگان بازار هوی و هوس درآمد و در معرض هجوم همه جانبه جریان های سوء سیاسی و تبلیغاتی و سرانگیزی سقوط قرار گرفت و کرامت ذاتی اش زیر غباری از غفلت و فراموشی مدفون شد.

از آن پس، اساس از دواجها در هم ریخت و همه به دور آتش شهوت رقصیدند و نظام های دقیقی که در طول قرنهای زندگی آدمیان برای اداره و بقای خانواده وضع شده بود و نیز روحانی ترین

روابط انسانی میان زن و مرد، یکباره فروریخت و از ارزش و اعتبار زن، در نظر مردانی که برای وصول به کعبه وجود زن، حریمی ملکوتی ساخته بودند، کاسته شد تا آنجا که آنچه از بدی، گناه، عصیان، خیانت، کم ارادتی و تجاوز به زن و مقام شامخ او بود، در حق او روا داشتند.

شکی نیست که حفظ سلطه اقتصادی، سیاسی و نظامی کشورهای سرمایه داری استعمارگری بر سایر کشورها و مناطق عقب نگاه داشته شده استعمارزده، بدون سلطه فرهنگی و تنیده بر افکار و عقاید و فرهنگ مردم این مناطق، ممکن نبوده و نخواهد بود، که استعمار برای رسیدن به این هدف شوم از کتب درسی مدارس گرفته تا مقالات علمی، برنامه های سینمایی، رادیویی، تلویزیونی، ویدیویی، ماهواره و غیره به صورت گوناگون بهره برداری می کند و همواره در صدد است که مردم، به ویژه روشنفکران جوان، بخصوص امت اسلامی را از تاریخ جامعه خود جدا سازد و طرز تفکر استعماری را رواج دهد و هر چه افزونتر، از خود بیگانگی و بیگانه پرستی را توسعه بخشد.

آنچه می تواند جامعه ای را از این تفکرات شوم و اضمحلال و سقوط به ورطه نابودی مصون داشته و حفظ کند، ترویج فرهنگ دقیق عفاف و تبیین ابعاد مختلف آن در جامعه است. این نوشتار به همین منظور انتخاب و تنظیم یافته است.

مفهوم و تعریف عفاف

در تعالیم اسلامی، مفهوم واژه عفت، بر کنترل شهوات و جلوگیری آن در خروج از مرز اعتدال دلالت می کند.

در قرآن کریم «حالت نفسانی که از غلبه شهوت باز دارد» آمده است. به بیان قرآن کریم عقیف به شخصی اطلاق می شود که خود نگهدار و با مناعت باشد. 4

این تعبیر در افراد و موارد مختلف، شرایط خاص خود را دارد. به عنوان مثال:

الف) عفت در فقیر عبارت است از: قناعت و رزی و حفظ نفس از تمایلات شهوانی تا گناهی از وی صادر نشود.

ب) عفت در غنی عبارت است از: نگهداری و حفظ نفس از شهواتی که به واسطه وسعت مال و امکانات مالی برای توانگر حاصل می شود. «ومن كان غنيا فليستعفف» 5.

ج) عفت در افرادی که توانائی بر انجام نکاح ندارند، خودداری نفس از شهوات و حفظ پاکدامنی از آلودگی به گناه.

د) عفت در زنان سالخورده به نگهداری حفظ خویشتن است از آنچه نفس بدان میل می کند، از قبیل: ظاهر کردن زینت و خودآرائی. 6

عفاف، ریشه در فطرت

فطرت امری است که خدای متعال آن را در وجود هر فرد قرار داده و انسان بدون اکتساب، به آن میل و رغبت دارد. عفاف نیز یکی از این باورهاست. روح عفت و پروا پیشگی از بدو خلقت

آدمی تاکنون بر انسان حاکم بوده است. البته ممکن است شکل، اندازه و کیفیت بروز آن در دوره های مختلف متفاوت باشد، اما این خصلت همیشه بروز و ظهور داشته است. قرآن کریم در داستان آفرینش آدم و حوا از این خصلت فطری چنین یاد می کند :

« فدلهما بغرور فلما ذاقا الشجرة بدت لهما سوء تهما وطفقا يخصفان عليهما من ورق الجنة » 7

(شیطان) آن دورا فریفت و به پستی افکند. چون از آن درخت خوردند، شرمگاههایشان آشکار شد و به پوشیدن خویش از برگهای بهشت پرداختند.

در ادیان الهی نیز، توصیه به عفاف و حیا فراوان شده است.

در رساله پولس در عهد جدید می خوانیم : « زنان خویشتن را به لباس مزین به حیا و پرهیزکاری بیاریند، نه به زلفها و طلا و مروارید و رخت گرانبها ». 8

برخی بر اساس مجسمه های برجمانده ، کتیبه و نقش برجسته های تاریخی چنین استنتاج کرده اند که سرما و گرما، علت اصلی اختیار پوشاک نبوده، بلکه علت آن حیا و پوشاندن شرمگاه بوده است. 9 و زنان ایرانی در دوره های مختلف از مادها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان نیز، دارای پوشش بوده اند. 10

« فرید وجدی » در این باره می نویسد : حجاب زنان قدمتی طولانی دارد، آنگاه به نقل دایرة المعارف لاروس چنین ادامه می دهد، زنان یونانی در دوره های گذشته صورتها و اندامشان را تا روی پا می پوشاندند. سخن در مورد حجاب، در لابلای کلمات قدیمی ترین مؤلفین یونانی نیز به چشم می خورد، حتی « بنیلوب » همسر پادشاه « عولیس » نیز با حجاب بوده است و زنان شهر « تیب » نیز دارای حجاب خاصی بودند بدین صورت که حتی صورتشان را نیز با پارچه می پوشاندند. این پارچه دارای دو سوراخ بود که مقابل دو چشمان قرار می گرفت تا بتوانند به خوبی ببینند. در « اسپرطاء » از موقع ازدواج حجاب را رعایت می کردند. نقشهائی که بر جای مانده حکایت می کند که زنان سررا پوشانده ولی صورتهایشان باز بوده است و هنگامی که به بازار می رفتند، صورت هایشان را نیز می پوشانده اند. حجاب در زنان سبیری و ساکنان آسیای صغیر وجود داشته و زنان رومانی از حجاب شدیدتری برخوردار بوده اند. 11

همه این موارد نشان می دهد که حیا و عفت، خصلتی انسانی است و آدمیان به حکم نهاد و آفرینش خویش بدان رغبت دارند. هنوز قوانین جهانی بر لزوم جلوگیری از کارهای خلاف عفت تاکید دارند، اگر چه رعایت آن در همه جا یکسان نیست و میزان به فعلیت رسیدن آن در افراد مختلف است.

شکل گیری عفاف در سایه وراثت و تربیت

دو عامل وراثت و تربیت، نقش مهم و مؤثری در پرورش سجایای اخلاقی، پاکدامنی، سعادت و خوشبختی انسان دارند. با شناخت دقیق و توجه کافی به دو موضوع وراثت و تربیت و بکارگیری دستورات صحیح و مناسب در این زمینه می توان صاحب نسلی پاک، سالم و سعادتمند شد.

«وراثت عبارت است از: نیروی طبیعی در موجود زنده که به وسیله آن، صفات از اصل به نسل منتقل می شود، خواه این صفات مخصوص این نسل باشد، خواه مشترک میان تمام افراد این نوع یا بخشی از آنها باشد.» 12

به تعبیر دیگر: «انتقال صفات و خصوصیات جسمانی، روانی و حالات و ویژگیهای اخلاقی و رفتاری از پدر و مادریا اجداد به نسلهای بعدی.» 13

این خصوصیات و ویژگیها درجهت مثبت یا منفی در افراد تاثیر می گذارند، «سلامت یا بیماری والدین، اختلالات روانی و عاطفی، عفت و یا آلودگی، سطح درک و فرهنگ، ایمان و اعتقاد، خوی و اخلاق والدین، همه و همه در زندگی انسان مؤثرند. علم روانشناسی ژنتیک ثابت کرده است که حتی حال و هوای زن و شوهر درحین انعقاد نطفه، در فرزندان اثر می گذارد، اضطراب و تشویش، امنیت خاطر، حتی احساس گناه و فریب، درسرنوشت کودک مؤثر است.» 14

امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام در بیان این امر مهم می فرمایند:

«اذا کرم اصل الرجل کرم مغیبه ومحضره» 15

وقتی اصل و ریشه انسان، خوب و شریف باشد، نهان و آشکارش خوب و شریف است و در جای دیگر می فرمایند:

«حسن الاخلاق برهان کرم الاعراق» 16

نیکوئی اخلاق، دلیل پاکی و فضیلت ریشه خانوادگی است. چنانکه از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) روایت شده که فرمود:

«الشقی شقی فی بطن امه والسعید سعید فی بطن امه» 17

براین اساس مراقبتها و خودسازی جسمی و روحی پدر و مادر، تقوی، عفاف و پیراستن خود از محرّمات و معاصی نقش بسیار مؤثر و مهمی در سعادت فرزندان دارد.

مرحوم شیخ مرتضی انصاری (ره) پیشرفت های علمی و معنوی خود را نتیجه زحمات و رعایت های مادرشان می دانند و دانشمندانی همچون آیت الله مطهری و بهشتی که نقش مهمی در تبیین فرهنگ اسلام داشتند از مادرانی پاکدامن، شجاع، مومن و عقیف برخوردار بودند 18

و به همین خاطر است که در حدیث نبوی (صلی الله علیه و اله) اینگونه آمده است

« طوبی لمن کانت امه عقیفه» 19

محیط تربیتی کودک، یعنی محیطی که شخص در آن متولد می شود و در آنجا رشد می یابد نیز، در سعادت و شقاوت او بسیار مؤثر است. پدران و مادرانی که محیط مساعدی برای تربیت صحیح فرزندانیشان به وجود می آورند و در معاشرت با آنان گفتاری پاک و رفتاری پسندیده دارند و قدم به قدم، برنامه های تربیتی و فضائل اخلاقی را در پرورش فرزندان خود، مد نظر قرار می دهند، می توانند جوانانی از هر جهت شایسته تربیت کنند و از این طریق اوامر الهی را اجرا و وظیفه خود را نسبت به فرزندان و جامعه انجام دهند.

بسیاری از بدبختی های اجتماعی و آلودگیهای اخلاقی و بی عفتی جوانان از محیط خانواده سرچشمه گرفته و معلول تربیتهای نادرست و یا عدم نظارت والدین بر فرزندان است.

«کل مولود یولد علی الفطرة، فابواه یهودانه ویُنصرانه ویُمجسانه» 20

هر نوزادی بر فطرت الهی به دنیا می آید، پس پدر و مادر او را به دین یهود و نصرانی و زرتشتی گرایش می دهند. بنابراین وراثت و تربیت خانوادگی، اساس شخصیت فرد را تشکیل می دهد و می تواند او را به انسانی عفیف با اخلاق و موفق، یا انسانی فاسد، منحرف و مضر تبدیل کند.

دامنه عفاف

بررسی ابعاد مختلف عفاف و گستره آن در شئون فردی و اجتماعی دامنه وسیعی دارد که با استفاده از قرآن و سنت به چند مورد از آن اشاره می کنیم:

1- عفت در فکر

گرانباترین سرمایه ای که خداوند به نوع بشر ارزانی داشته، گوهر فروزان عقل است. همه اعمال، احساسات، رفتار و حتی تواناییهایمان بر اساس اندیشه و فکر حالت می گیرد. هر عمل و رفتاری چه خوب و چه بد، چه اینکه نتیجه آن خیر یا شر باشد، از فکر و اندیشه سرچشمه می گیرد، به عبارت ساده تر، آنگونه که می اندیشیم، عمل می کنیم.

هر چه فکر انسان متعالی تر و با فطرت کمال جوی او (که خالی از هرگونه زشتی و پلیدی است) بیشتر منطبق باشد سریعتر راه تکامل را می پیماید. چنانچه، مولای متقیان، حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «من عقل عفا» 21 هر آنکس که عقل دارد عفت می ورزد. و در جای دیگر می فرمایند: «عقل انسان، به میزان عفت و قناعتش سنجیده می شود» 22

از این رو، عقل یکی از عوامل مؤثر در تعدیل خواهشهای نفسانی و رام کردن غرایز بشری است. عقل بر اساس محاسبه صحیح، آزادی انسان را محدود می کند و در مسیر زندگی، راه را از بیراهه و روا را از ناروا تمیز می دهد. عقل می تواند شهوات و تمایلات بشر را اندازه گیری کند و موجبات تعدیل خواهشها را فراهم آورد و همچنین قادر است غرایز آدمی را به خیر و صلاح هدایت کند و از تند روی و طغیان باز دارد و خلاصه عقل، راهنمائی است که پیروی از آن مایه فلاح و رستگاری بشر است. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرمایند:

« فکرک یهدیک الی الرشاد»

افکار عاقلانه ات تو را به راه صواب و هدایت واقعی راهنمائی می کند. 23

انسانی با شرف است که افکار او شریف و بالعکس انسانی آلوده و گنهکار است که اندیشه و فکر او آلوده باشد. جان کلام این است، برای رسیدن به زندگی حقیقی و سعادت‌مندانه محتاج اندیشه و فکری عفیف، صادق و قابل اعتماد هستیم.

2- عفت در نگاه

ارزش و اهمیت این موضوع از این بابت است که چشم، دروازه دل است. آنچه از این دریچه وارد وجودشخص می شود، گاهی او را به سرمنزل سعادت و گاه به ورطه سقوط و ذلت می کشاند. دل، آنچه را که از طریق چشم می بیند و حس می کند، مورد تحلیل قرار داده و زمینه را برای انفعال در برابر شرایط موجود و در پی آن حرکت برای کسب و تصرف آن شرایط و اقتناع آن فراهم می نماید. و این سخن درستی است که «هر آنچه دیده بیند دل کند یاد» حال فرق نمی کند که آن نگاه به صواب بوده و مجاز و یا ناصواب بوده و غیر مجاز.

از آنجا که خداوند، خالق انسان است و نسبت به تمام صفات و اخلاقیات او آگاهی کامل دارد، مصلحت، خیر و صلاح او را بهتر از هرکسی می داند، لذا به عفت در نگاه توصیه فرموده و انسان را از نگاه های آلوده برحذر می دارد. «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم... وقل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن» 24 بیان صریح این آیات، حرمت نگاه کردن مردوزن نامحرم به یکدیگر است. عبارت «ذلک ازکی لهم» در این آیه، اشاره دارد که توصیه به عفاف و لزوم پرهیز از چشم چرانی و یا خود نمائی زن، به منظور پاکی جان و روان انسانها و تطهیر آنان از پلیدی، آلودگی، نابسامانیهای اخلاقی، خانوادگی و اجتماعی است و این امری است که با سعادت مرد و زن و نسل انسانی مرتبط است.

آری نگاه، جرقه ای است که غریزه را شعله ور می سازد.

«النظره بعد النظره تزرع فی القلب شهوة وکفی بها لصاحبها فتنه» 25.

نگاه پس از نگاه، همچون تیری از تیرهای زهر آگین شیطان است که چه بسا مدت آن کوتاه ولی مورث حسرت و افسوسی دراز و طولانی است.

«والنظر سهم من سهام ابلیس مسموم وکم من نظره اورثت حسره طویله» 26.

افراد چشم چران بیش از هر کس جان و روان خود را به تعب می اندازند و پس آن دچار اضطراب، نگرانی و به جوش آمدن هیجانات خود می شوند و به دنبال آن طعمه هوس آلود، باعث رسوائی برای خود و دیگران می گردند. از این روست که امامان ما به انداز و تبشیر پیروان خود پرداخته و احادیثی در مدح و تشویق کسانی که در نگاه خود عفت داشته و عقاب سخت و دردناک افرادی که خود را به ورطه چشم چرانی و نگاه آلوده انداخته اند، بیان فرموده اند.

امام صادق (علیه السلام) در این باره تصریح می فرمایند: وقتی انسان نگاهش به سیمای زنی می افتد چشمش را ببندد و به آسمان متوجه گردد خدای متعال بلا فاصله یکی از حوریه های بهشتی را به عقد او درمی آورد.

27 و حضرت رسول (صلی الله علیه و اله) می فرمایند: هر مسلمانی که یکبار به زنی بنگرد، آنگاه چشم از او باز دارد، خدای متعال او را با عبادتی انس دهد که لذت آن را در قلب خویش احساس کند 28

در جای دیگر امام صادق علیه السلام می فرمایند: هر کس چشم خود را از گناه پر کند، روز قیامت خدا چشم او را از آتش پر خواهد ساخت مگر، توبه و بازگشت نماید. 29

واضح است که فعالیت های اجتماعی زنان و حضور آنان در عرصه های مختلف، زمینه تعادل و ارتباط بین زن و مرد را بیشتر کرده است. در پرتو حضور اجتماعی، بسیاری از استعدادها و قابلیتها به فعلیت می رسد، تعلیم و تعلم، توسعه، تکنولوژی و بالارفتن فهم سیاسی و آگاهی از زمان محقق می شود و همچنین در سایه فعالیت اجتماعی، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عملی می گردد. از این رو یکی از انگیزه های دعوت به مشارکت اجتماعی زنان، بالارفتن شخصیت علمی، معنوی و اجتماعی آنان است، که بدون این حضور، انجام این مهم دست یافتنی نیست و یا با دشواری و مشقت همراه است. در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و اله) زنان پرسشهای خود را از پیامبر (صلی الله علیه و اله) می پرسیدند و هیچگاه رسول خدا آنها را منع نمی کرد. آنچه مسلم است و از قرآن و سیره پیامبر (صلی الله علیه و اله) و ائمه اطهار علیه السلام دریافت می شود، این است که زنان با رسول اکرم (صلی الله علیه و اله) و امامان بزرگوار معاشرت و گفتگو داشته و این یک امر طبیعی و عادی بوده است.

از دیدگاه اسلام، مشارکت اجتماعی زنان و تعامل و ارتباطاتی که در این زمینه پیش می آید تجویز شده، اما این روابط، همواره دارای آداب و شرایطی است که آن را عفت در روابط اجتماعی نامیده ایم.

الف- پرهیز از محادثه که آن عبارت است از: گفتگویی که هزل و لهورا به همراه داشته و با نوعی فتنه انگیزی آمیخته است. حضرت رسول (صلی الله علیه و اله) می فرمایند:

«ومن فاکه امره لا یملکها حبسه الله بکل کلمة کلمتها فی الدنیا الف عام» 30

هر کس بازن نامحرم شوخی کند، برای هر کلمه ای که با او سخن گفته، هزار سال زندانی می گردد.

ب- پرهیز از خلوت: امام موسی بن جعفر (علیه السلام) به نقل از پیامبر (صلی الله علیه و اله) فرمودند: هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، هرگز درجائی که نفس زن نامحرمی را می شنود، توقف نکند. 31

همچنین رسول اکرم (صلی الله علیه و اله) می فرمایند: آگاه باشید هرگز مرد وزنی باهم خلوت نمی کنند مگر آنکه سومی آنان شیطان است. 32

ج- پرهیز از مصافحه: حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و اله) فرمودند: «ومن صافح امره تحرم علیه فقد باء بسخط من الله عزوجل». 33 هر کس با زنی که محرم او نیست مصافحه کند غضب حق تعالی را برای خود خریده است. در جای دیگر می فرمایند: هر کس به طور حرام با زنی مصافحه کند، یعنی با او دست بدهد، روز قیامت در غل و زنجیر بسته و به آتش انداخته می شود.

د- پرهیز از استعمال عطر و بوی خوش: رسول خدا (صلی الله علیه و اله) فرمودند: هر زنی که خود را خوشبو کند و از خانه خارج شود مورد لعنت قرار می گیرد تا زمانی که به خانه مراجعت کند. 34

در جای دیگر می فرمایند: «اذا تطیبت المرء لغير زوجها فانما هو نار وشنار» 35 زنی که خود را برای دیگران خوشبو کند، خود آتش است و ننگ محسوب می شود.

4- عفت درزینت

تمایل آدمی به زیبایی و جمال، یکی از خواهشهای فطری بشر است و احساس لذت از مناظر زیبا، با سرشت انسان آمیخته است. این نکته واضح است که برای شناسائی همه زیباییها و درک جمال طبیعی و هنری، تنها حس فطری جمال دوستی کافی نیست، بلکه باید این نیروی طبیعی، تربیت و درپر تو پرورشهای صحیح بسط و توسعه یابد. پرورش صحیح می تواند استعدادها را آشکار سازد و از قوه به فعلیت در آورد. به هر نسبتی که سطح دانش و فرهنگ یک کشور ترقی کند و به هر نسبتی که عواطف مردم شکفته تر شود، زیباییها بهتر درک و احساس می گردد. چنانچه در دنیای امروز و بین ملل و اقوام پیشرفته، مسئله زیبایی مورد کمال توجه قرار گرفته و تمام طبقات مردم، به زیبایی ابراز علاقه شدید می کنند و این حس پیوسته رو به فزونی است و روز به روز تشدید می شود.

آیین مقدس اسلام نیز که برنامه جامع سعادت و کامیابی بشر است به این موضوع توجه مخصوص دارد و در ضمن تربیت و پرورش قوه جمال دوستی، استفاده از آن را نیز به پیروان خود توصیه می کند و با حمایت از این قوه، یکی از خواهشهای طبیعی بشر را ارضاء می نماید و حتی در کتب اسلامی، روایات بسیاری درباره ارزش زیبایی و جمال انسان آمده است. رسول خدا (صلی الله علیه و اله) فرمودند:

«علیکم بالوجوه الملاح والحدق السود» 36

بر شما باد که با خوب رویان نمکین صورت و مشکین چشم معاشرت کنید.

حضرت علی (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«حسن وجه المؤمن حسن عناية الله به» 37

روی زیبای مردم با ایمان، عنایت نیکوی خداوند به آنان است.

بدین سان جامه زیبا پوشیدن، مسواک زدن، شانه و روغن زدن به مو و گیسوان، معطر بودن، انگشتر فاخر به دست کردن، و سرانجام آراستن خویش هنگام عبادت و معاشرت با مردم در مسجد یا محیط خانواده و اجتماع، از مستحبات موکد و جزء برنامه روزانه مسلمانان است و این مطلب، از آیات قرآنی به خوبی استفاده می شود. «یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد» حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) بهترین جامه های خود را در نماز می پوشیدند و در جواب کسانی که سبب این کار را جویا شدند، فرمودند:

«ان الله جمیل و یحب الجمال فا تجمل لربی» 38

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، پس خود را برای پروردگام زیبا می سازم.

همچنین «عباد بن کثیر» که فردی زاهد نما بود، به امام صادق (علیه السلام) که لباس آراسته پوشیده بودند، اعتراض کرد و گفت: «یا ابا عبد الله توازخاندان نبوتی و پدرت علی (علیه السلام) همیشه کرباس می پوشید، این لباسهای فاخر چیست که به تن کرده ای؟ چرا به لباس ساده

تری اکتفا نمودی؟ حضرت در جواب فرمودند: وای بر تو عباد! این چه اعتراضی است که می کنی، خدا وقتی به بنده اش نعمتی داد، دوست دارد آن نعمت را ببیند. 39

بنابر این خداوند نهی از زینت نمی کند، بلکه آنچه مذموم است و مورد نهی واقع شده، نهی از تبرج « ولا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولى » 40 و آشکار کردن زینت در محافل اجتماعی که محل کار و تلاش زن و مرد مسلمان است، می باشد.

« ولا یبدین زینتهن ». 41 بر این اساس نه تنها استفاده از زینتها از نظر شرع اشکال ندارد، بلکه ارضاء تمایل خودآرایی و زینت که یکی از خواستههای فطری است، به تکامل ذوق و هنر و شکفتن احساسات کمک می کند و انسان را به راه تعالی روحی و پیشرفت‌های عاطفی سوق می دهد. اما باید توجه داشت که این کار به زیاده روی و افراط نگرایدواز حد شایسته و اعتدال خود تجاوز نکند. تجمل پرستی، زیاده روی و بی عفتی در زینت و خودآرایی، عوارض نا مطلوبی دارد. اگر این غریزه از حد و مرز شرعی خود خارج شود، آدمی را می فریبد و کام او را تلخ و زندگی را بر وی تنگ می کند و او را در دام شیطان اسیر می سازد. علامه طباطبائی در این باره می گوید:

« کمتر فسادی در عالم ظاهر می شود و کمتر جنگ خونینی است که نسلها را قطع و آبادی ها را ویران سازد و منشأ آن اسراف و افراط در استفاده از زینتها و رزق نبوده باشد، زیرا انسان طبعاً اینطور است که وقتی از جاده اعتدال بیرون شد و پا از مرز خود بیرون گذاشت، مشکل می تواند خود را کنترل کند » 42

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: « پیامبر (صلی الله علیه و اله) زن را از اینکه برای فرد اجنبی زینت کند، نهی فرموده و اگر چنین کرد، حق است که خداوند او را در آتش بسوزاند »

« نهی ان تتزین المرئنه لغير زوجها فان فعلت کان حقا علی الله ان یحرقها با لنار » 43

5- عفت در کلام

گستره فعالیت های زنان در جامعه کنونی، اهمیت بحث در این موضوع را روشن می کند و احکامی که ما از منابع اسلامی در این باره به دست می آوریم، همه و همه بیانگر توجه دقیق و موشکافانه اسلام نسبت به سلامت جامعه و فرد می باشد، قرآن به انسان دستور داده که به گونه ای هوس انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند، « فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولاً معروفاً » 44 جمله « فلا تخضعن بالقول » اشاره به کیفیت سخن گفتن دارد، یعنی به هنگام سخن گفتن جدی، خشک و بطور معمولی سخن بگوئید.

جمله « قلن قولاً معروفاً » اشاره به محتوای سخن گفتن دارد، یعنی باید به صورت شایسته که مورد رضای خدای متعال و پیامبر (صلی الله علیه و اله) و توام با حق و عدالت است، سخن گفت، البته (قول معروف) معنی وسیعی دارد و هرگونه گفتار باطل و بیهوده و گناه آلود و مخالف حق را نفی می کند. 45 بنابر این از نظر قرآن هرگونه ناز و غمزه در کلام، با ادا و اطوار سخن گفتن، تغییر صدا که افراد شهوتران را به فکر گناه می افکند و هرگونه سخن باطل و غیر حقی مردود است.

6- عفت در ستر (حجاب)

یکی از پردامنه ترین موضوعاتی که در دنیای امروز راجع به زن و حیات اجتماعی او مطرح است، موضوع ستر یا حجاب زنان می باشد و این مسئله ای است که بحث های موافق و مخالف بسیاری را در جوامع غرب و شرق برانگیخته است. مخالفان پوشش برای اینکه طرفداران و مبلغان مذهب را به انزوا بکشانند و در نتیجه دست خود را به تجاوز به حریم عفت زنان باز گذارند، و سوسه ها و شبهاتی را از قبیل: حجاب مانع آزادی، کار و نشانه عقب ماندگی و... است را در ذهن زنان القاء کرده و خواستار آن می باشند که خود زنان علیه شرایط موجود، احکام فقهی و الهی دین به قیام برخیزند.

مسئله پوشش و حفظ عفاف خاص دنیای اسلام و حتی دنیای ادیان نیست. بر اساس زمینه فطری، حتی جوامع اولیه و به دور از تمدن و مذهب هم آن را مورد توجه خود قرار داده اند، نوشته اند:

« زنهای تاتار از لحاظ عصمت، وقار و وظیفه شناسی در برابر شوهران نظیر ندارند. پاکدامنی و حجب و حیای آنها قابل تحسین است. بی احترامی به عفت عمومی و هتک ناموس گناهی بزرگ است، در قانون نامه پاسای مغول، هتک ناموس، زنا و ازاله بکارت کیفر اعدام داشت» 46

ویل دورانت می نویسد: « در بریتانیای قدیم والدین ثروتمند در مدت پنج سال بحران جوانی، دختران خود را در کلیه ها زندانی می نمودند. زنان سالمند پاکدامنی را به زندانبانی می گماردند، دختران حق خروج از این کلبه ها را نداشتند و تنها اقارب و نزدیکان می توانستند آنان را ببینند. بعضی از قبا یل جزیره برنئو نیز عمل مشابهی داشته اند.» 47 داستان آدم و حوا و بهره گیری آنها از شجره ممنوعه که قبلا ذکر شد نیز دلیل همین مدعاست. بنابراین، مسئله پوشش و عفاف در همه جوامع و ملل به صورتهای گوناگون وجود داشته است، اما با آمدن اسلام این مسئله به عنوان یک حکم تکلیفی و ضروری برای زنان تعیین گردید. خداوند در چند آیه قرآن کریم موضوع لباس و پوشش را مطرح کرده است و اهمیت، ارزش، هدف و فایده آن را بیان می کند. قرآن کریم گاهی هدف از لباس را پوشاندن اعضا، ستر عورت و حفظ بدن و گاه آن را وسیله زینت و گاه وسیله حرمت و شخصیت زن و بیازدارنده از دستبرد آزار مزاحمان و افراد فاسد معرفی می کند. « یابنی آدم! قد انزلنا علیکم لباسا یواری سواتکم و ریشا.....» 48 « جمله یواری سواتکم» وصف لباس است و دلالت دارد بر اینکه لباس پوشش واجب و لازمی است که کسی از آن بی نیاز نیست و آن پوشش عضوی است که برهنه بودنش، زشت و مایه رسوایی آدمی است.» 49 « کلمه ریش» در اصل واژه عربی به معنی پرهای پرندگان است و چون پرهای پرندگان غالبا به رنگهای مختلف و زیبایست، یک نوع مفهوم زینت در معنی کلمه ریش نهفته است.» 50 بنابراین مراد از لباس در این آیه تنها پوشانیدن تن و مستور ساختن زشتیهای آن نیست، بلکه لباس تجمل و زینت که اندام را زیباتر از آنچه که هست نشان میدهد نیز مد نظر است.

« یاایها النبی قل لازواجک وبناتک»

51 ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مومن بگو روپوش های خود را دربرکنند این کار برای اینکه شناخته و مورد ادبیت قرار نگیرند بهتر است.

هنگامیکه زن پوشیده باوقار از خانه بیرون رود وجانب عفاف وپاکدامنی را رعایت کند.
افراد فاسد و مزاحم، جرات نخواهند کرد متعرض وی شوند وبیماردلان که دنبال شکار می گردند
از آن چشم پوشیده وفکر بهره کشی از اورا، درمخيله شان خطور نمی دهند. از نظر اصول
کلی انسانی زن ومرد یکسانند، اما زنان از جهت خصلت طبیعی که همان جنبه خاص زنانگی،
ظرافت، لطافت وجاذبیت است، با مردان، تفاوت محسوس وانکار ناپذیر دارند.

درروایات آمده است: « المرئنه ریحانة »52 زن همچون ریحانه یا شاخه گلی، ظریف است،
اگر باغبان اورا پاس ندارد، از دید ودست گلچین، مصون نمی ماند.

قران، زنان ایده ال را که در بهشت جای دارند، به مروارید محجوب وپوشیده در صدف تشبیه
می کند، « کامثال اللؤلؤالمکنون » 53

ویا آنها را به جواهرات اصلی مانند یاقوت ومرجان تشبیه می کند که جواهر فروشان، آنها را
در پوشش مخصوص قرار می دهند تا همچون جواهرات بدلی به آسانی دردسترس این وان
قرار نگیرند واز قدر وارزش آنها کاسته نشود. این جوهر لطیف را از سهل الوصول بودن
مصون داشته ومحدوده مطمئن تری پیرامون او قرار داده است.

پی نوشتها:

1-صحیفه فاطمیه ،ص96، دعاؤها(علیها سلام)، فی یوم الخمیس، از دعاهای حضرت زهرا (سلام الله
علیها)

2-روم ، 30

3-نهج البلاغه ،حکمت 474

4-لسان العرب- ج9ص290- اقرب الموارد- ج2- ص 803- معجم الوسیط ص 611-

5-قاموس قران، ج5ص19- 18

6-نساء ، 6

7-مصطفوی ، حسن، التحقیق فی کلمات القران الکریم ، ص181-180

8-اعراف ، 22

9- عهد جدید، ص336

10-مجله پیام زن، مقاله انسان، پوشش وریشه های تاریخی، ج19ص69

11-زن به ظن تاریخ، ص71، ص141، ص115

12-دایرة المعارف فرید وجدی، ج3، ص336

13- التریبه وطریق التدریس، صالح عبدالعزیز، ج1، ص124

14-اسلام وتعلیم وتربیت، حجتی، سید محمد باقر، ج1ص79

- 15-خانواده وکودکان گرفتار، علی قانمی، ص 10-12
- 16-غرر الحکم، ج1، ص327
- 17-همان، ص379
- 18-جامع الصغير، سيوطي، ج2، ص36
- 19-فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ش10، ص46
- 20-المستدرک، ج14، ص159
- 21-مسند احمد بن حنبل، ج2، ص275
- 22-غرر الحکم، ج2، ص611
- 23-همان، ص863، «يستدل على عقل الرجل بالعفه والقناعه»
- 24-جوان، محمد تقی فلسفی، ص365
- 25-نور، 30 و31
- 26-وسایل الشيعه، ج7، ص139
- 27-همان، ص138
- 28-همان، 139، «من نظر الى امراه فرفع بصره الى السماء اوغض بصره لم يرتد اليه بصره حتى يزوجه الله من الحورالعین»
- 29-نهج الفصاحه، ص551، مامن مسلم ينظر الى المراه اول رمقه يغض بصره الا احدث الله تعالى له عباده يجد حلاوتها في قلبه»
- 30-وسایل الشيعه، ج7، ص142 «من ملا عينه حراما ملا الله عينه يوم القيامة من النار الا ان يتوب ويرجع»
- 31-وسایل الشيعه، ج14، ص133
- 32-همان، ص134، عن موسى بن جعفر و ابائه
- 33-كلمه الرسول، ص413، قال رسول الله(ص) : الا يخلون رجل بامراه الا كان ثالثهما الشيطان.
- 34-وسائل الشيعه، ج14، ص142.
- 35-بحار الانوار، ج103، ص247، ای امراه تطيبت وخرجت...
- 36-نهج الفصاحه، ص36
- 37-سفینه البحار، ص546
- 38-غرر الحکم، ص379
- 39-مجمع البيان، ج2، ص412
- 40-وسایل الشيعه، ج3، ابواب اللابس، باب 7
- 41-احزاب، 34
- 42-نور، 32
- 43-الميزان، ج8، ص82
- 44-وسایل الشيعه، ج7، ص154
- 45-احزاب، 33
- 46-تفسیر نمونه، ج17، ص289

زندگی گستره عفاف به گستردگی

عفت ورزی ثمرات و نتایج

1- استحکام خانواده:

یکی از کوچک ترین و با اهمیت ترین نهادهای اجتماعی یک جامعه، خانواده است. خانواده مرکز عشق، امید و تحقق آرزوهای زیبا و شیرین دختران و پسران است. هرچه پیوند زن و شوهر صمیمی تر و قوی تر باشد، استحکام خانواده بیشتر خواهد بود.

اگر عفاف و حجاب در جامعه ای کاملاً رعایت گردد، روابط جنسی به محیط خانواده محدود شود، و حریم زن و مرد در محیط بیرون از منزل حفظ شود، در نتیجه جوانان به ازدواج تمایل بیشتری پیدا کرده و خانواده های تشکیل شده نیز ثبات بیشتری خواهند داشت. برعکس اگر خودنمایی، آرایش و تبرج در اجتماع رواج یابد، حریم روابط زن و مرد در اجتماع شکسته شود و آزادی های منفی و افکار انحرافی در جامعه گسترش یابد در نتیجه کانون گرم خانواده به سردی می گراید و عشق و محبت در خانواده جای خود را به تنفر می دهد و نخستین کانون تربیت، مهر و عاطفه کودکان ویران می گردد و نهایتاً آمار طلاق و فحشا به فزونی می گراید. بی تردید نهاد خانواده در پرتو پاسداری از حریم حجاب و عفاف است که درخشش و بالندگی لازم را پیدا خواهد کرد. چنانچه، چراغ وقتی نور افشانی می کند که سیم های متصل به آن سالم باشند و اگر پوشش این سیمها از بین رفته و یا زدگی داشته باشند، نه تنها نیروی برق را به خوبی منتقل نمی کنند بلکه اتصال آنها به یکدیگر موجب حریق و آتش سوزی می گردد.

زن و مرد نیز که همانند جریان مثبت و منفی دست به دست هم داده و چراغ خانواده را روشن کرده اند، می بایست عفاف و اعتماد متقابل را رکن اصلی این پیوند قرار دهند، و الا این چراغ با آتش هوس به خاموشی خواهد گرایید.

2- آرامش روانی:

عفاف بازدارنده بسیاری از التهابات و هیجانات روحی است. نبودن حریم میان زن و مرد، ترویج معاشرت های بی بند و بار و دیدن صحنه های تحریک آمیز، مستهجن و رکیک، هیجانها و التهابات جنسی را فزونی می بخشد و جاذبه جنسی و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی اشباع نشدنی در می آورد، و چون ارضای این غریزه در تمامی موارد و به صورت دلخواه ممکن نیست و همیشه مقرون به نوعی احساس محرومیت است باعث بر هم خوردن تعادل روحی و اختلالات روانی فرد می شود. اسلام با تعدیل و رام کردن این التهابات از طریق محدود کردن نگاه، خضوع در کلام، پوشش و بالاخره رعایت عفاف در همه زمینه ها برای فرد، آرامش روحی و روانی به ارمغان می آورد.

3- سلامت اجتماع:

حضور زنان و مردان در جامعه به صورتی که هیچگونه تحریک و شائبه جنسی با آن همراه نباشد، آن جامعه را استوار و مستحکم می‌کند و عفت و رزق آنان در محیط تحصیل، کار، اداره، بازار و ... زمینه ساز سلامت، پیشرفت و تعالی آن جامعه خواهد شد. لکن اگر این اصل (عفاف) مورد توجه قرار نگیرد، حریم‌ها حفظ نشود و فساد در جامعه رواج یابد، عامل تباهی و سقوط آن جامعه نیز فراهم می‌شود. به گفته منتسکیو «در حرکت دموکراسی از دست رفتن عفت، بزرگترین بدبختی‌ها و مفسد را باعث می‌شود تا جایی که اساس حکومت را از بین می‌برد.»¹

تاریخ بشری چه در جوامع اسلامی و چه در جوامع غیر اسلامی این مطلب را به وضوح ثابت کرده است. مارشال پتن سردار نظامی فرانسه در سخنرانی خویش اعتراف کرده است که: «بزرگترین علت شکست فرانسه در جنگ با آلمان فرو رفتن در گردابهای شهوت و ابتلا به تن پروری و عیاشی بوده است.»²

و یا دکتر گوستاولوبون دانشمند معروف فرانسوی در باره شکست مسلمانان در اندلس می‌نویسد: «مسلمانان حدود 800 سال در اسپانیا قدرت را در دست داشتند و اسپانیا در این مدت، مهد علم و تمدن گردیده بود تا آنکه دشمنان با انتشار فساد و رواج مشروبات الکلی و بی بند و باری و بالاخره در اثر اختلاف بین زمامداران حکومت بر مسلمانان چیره شدند و مسلمانان را به زور وادار به قبول دین مسیح کردند. پس از محکمه‌های تفتیش عقاید، دستور سوزاندن این تازه مسیحیان را به بهانه اینکه واقعا به دین مسیح در نیامده‌اند، صادر کرد و بقیه را وادار به مهاجرت از آن سرزمین نمود.»³

قرآن کریم سرگذشت امتهای بسیاری را که به فساد دست زده و سرانجام هلاک و نابود گشته‌اند را نقل می‌کند. در سوره عنکبوت هلاکت قوم لوط، قوم عاد، ثمود، فرعون، سامان و قارون را بیان نموده، می‌فرماید:

«فكلا اخذنا بذنبه فمنهم من ارسلنا عليه حاصبا و منهم من اخذته الصيحة و منهم من خسفنا به الارض و منهم من اغرقنا و ما كان الله ليظلمهم و لكن كانوا انفسهم يظلمون.»⁴

(..... و هر يك را به خاطر گناهش عذاب نمودیم. بر بعضی بادهای ریگ بار فرستادیم و عده‌ای را با فریاد سهمناك هلاک نمودیم و عده دیگری را به زمین فرو برده و بعضی دیگر را غرق کردیم، البته خداوند به ایشان ظلم نکرده بلکه ایشان به خود ستم روا داشتند).

این است نتیجه جوامعی که منحرف گشته و در گرداب فساد غوطه ور شدند.

4- حفظ طراوت و زیبایی:

با توجه به آرامش روانی که زنان با مراعات عفت و حجاب بدست می‌آورند طراوت و زیبایی آنان پایدارتر خواهد بود. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«حجاب المرئه انعم لحالها و جمالها»⁵

حجاب زن برای طراوت و زیبایی اش مفیدتر می باشد و نفس بکارگیری انواع لوازم آرایش با توجه به عدم اطلاع از نوع، کیفیت، مواد ترکیبی آن در بسیاری از موارد مضر به سلامت و شادابی پوست، مو و سایر اعضاست و مشکلات متعددی را برای زنان ایجاد می کند.

5- تمرکز حواس:

با رعایت عفاف و حجاب امتیازها، آراستگی ها و زیبایی های ظاهری جهت صحیح می یابد، از انحراف فکر و ذهن که همیشه مورد وسوسه شیطان است کاسته می گردد. حواس، فکر و ذهن متوجه ارزشهای واقعی و کمال جوئی می شود. فرد راه علم، دانش، هنر، ادب و اخلاق را در پیش می گیرد، استعدادها و خلاقیت های او شکوفا می شود. انسان فراغتی می یابد تا صحیح بیندیشد و برای ساختن سرنوشت خود، خانواده و اجتماع اش تلاش کند. در نتیجه جامعه ای که این افراد در آن زندگی می کنند، راه ترقی و پیشرفت را به سرعت می پیماید.

6- بهداشت و سلامت جسمی:

عفت ورزی زمینه فساد و انحراف، که باعث ایجاد، رشد و ترویج بسیاری از آلودگیهای جسمی است را از بین می برد و از این طریق نقش خود را در سلامت جسمی افراد جامعه ایفا می کند. انحرافات جنسی سبب ایجاد و افزایش بسیاری از بیماری های پوستی و مقاربتی از قبیل: سفلیس، سوزاک، ایدز و... می شود. بیماری ایدز که مهلک ترین بیماری عصر حاضر است ابتدا در سال 1981 در افراد همجنس باز شناخته شد، 13 سال بعد به عنوان یک اپیدمی جهانی که هر لحظه رو به گسترش است اعلام شد (سازمان جهانی بهداشت در دسامبر 2000 گزارش داد که تا پایان سال 2000 در جهان 36/1 میلیون مرد و زن و کودک حامل ویروس ایدز یا مبتلا به آن بوده اند. و تا کنون 21/8 میلیون نفر نیز بر اثر این بیماری جان خود را از دست داده اند.) 6 از راه های اصلی انتقال این بیماری، فساد و روابط جنسی ناسالم است و بهترین راه کنترل این بیماری رعایت عفت جنسی و مراعات دستورات و احکام اسلام است.

(و جالب آن است که در سمینار بین المللی پزشکی تهران که با شرکت 2 هزار متخصص از 60 کشور جهان تشکیل گردید، در پاسخ یکی از حضار که پرسیده بود: برای مصون ماندن از بیماری مقاربتی چه باید کرد؟ خانم دکتر m.o d-uncan در حالیکه منقلب گردیده بود، فریاد زد در یک جمله «اطاعت از قوانین اسلام».) 7

7- پاکي رحم ها و نسل انساني:

حفظ عفاف باعث می شود رحمها پاک و نسلها شناخته شده باشند. کودک باید احساس کند دارای سرپرست، پشتیبان، عزت و شخصیت است، نه موجودی وانهاده و بی صاحب که از عشقی آلوده و لحظه ای بوجود آمده است. در فرهنگ غنی اسلام مسئله پاکي رحم و نقش آن در سلامت فرد، خانواده و جامعه بسیار مهم قلمداد شده به گونه ای که «اصلاب پاک و ارحام مطهر» عاملی اساسی برای مسیر هدایت انسان و اجتماع معرفی گردیده و ارزشمندترین انسانها کسانی بوده اند که در دامنه های عفیف رشد کرده اند.

به وجود آمدن نسل از طریق نامشروع مفسد زیادی را در بردارد که یکی از مهمترین آنها عدم پذیرش مسئولیت در مقابل تربیت فرزند به وجود آمده است، و بر فرض پذیرش، احساس

طبیعی تعلق آن فرزند به خود را ندارد. به عبارت دیگر، حب ذات در انسان سبب می شود که او به متعلقات و مسائل مربوط به ذات خود علاقه بیشتری نشان دهد و چنانچه مشخص باشد که مثلاً این کودک، فرزند اوست، به صورت کاملاً طبیعی احساس علاقه و عاطفه او بسوی آن فرزند برانگیخته می شود و پدر را در جهت حفظ و تربیت او مصمم و استوار می گرداند. اما چنانچه تولید از طرق نامشروع باشد، با عدم پذیرش احساس مسئولیت، عشق، علاقه و عاطفه در قبال فرزند مواجه خواهیم بود، و این امر باعث ناهنجاریها و مفاسد اجتماعی بسیار خواهد شد.

به جز موارد ذکر شده فواید و ثمرات دیگری است که در سایه عفت و رزق برای انسان حاصل می شود. از قبیل: حفظ امنیت، جلوگیری از استثمار زن، حفظ رشد عزت نفس، بالارفتن کرامت و شخصیت زن، حفظ حریمها، رشد و پیشرفت در کارها و

علل کم توجهی به عفاف و حجاب در جامعه اسلامی

ارزش آثار و نتایج عفاف و حجاب را زمانی به خوبی می توان دریافت که با فقدان آن در جامعه ای مواجه باشیم. برای آگاهی از عوارض بی عفتی و بی حجابی باید به جوامعی مراجعه کرد که در این زمینه پیشگام بوده اند. در چنین صورتی خواهیم دید که به اسم تمدن و آزادی چه بسیاری عوارض فرهنگی، بهداشتی، روانی، اخلاقی، اقتصادی و سیاسی گریبانگیر آن جامعه شده است. کم اهمیت دادن به عفاف، حجاب و اجرای آن در جامعه خود زمینه های انحطاط و آثار زیانبار فردی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. شناخت عوامل موثر در سیر نزولی توجه به عفاف و حجاب می تواند ما را در تبیین هرچه بهتر راهکارهای اجرایی عفاف و حجاب یاری دهد. آنچه در ادامه از آن سخن به میان می آید، اشاره به این عوامل می باشد:

1- تبیین نشدن شایسته فرهنگ اسلام:

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران گرایش به دین و دیانت و انجام دستورات دینی در جامعه به نحو خوبی رشد و بالندگی داشته است. سیاستمداران کشور وضعیت اجتماعی را پاک و سالم دانسته و به تصور اینکه این روند و این فضا ادامه خواهد داشت، از برنامه ریزی برای تبیین و استمرار فرهنگ دینی که حجاب و عفاف نیز جزو آن است، غافل شدند و به مسائل دیگری که گمان می کردند از اهمیت بیشتری برخوردار است، پرداختند.

2- بحران سازیهای متعدد دشمن:

این بحرانها سیاستمداران حکومت دینی را به خود مشغول کرده و فرصت برنامه ریزی صحیح را از آنها سلب کرده است. بحرانهایی از قبیل جنگ، بحرانهای اقتصادی، سیاسی، امنیتی و تنش های اجتماعی که همه ما مصادیق بسیاری را از اول انقلاب تا حال، شاهد بوده ایم.

3- سیاست های فرهنگی :

عرصه های فرهنگی به افراد خوش ذوق، متعهد، متدین و متخصص نیازمند است که به صورت دقیق و عمیق بتواند مسائل اسلامی را از منابع غنی اسلامی فهمیده و به شیوه صحیح ارائه دهند. با کمال تأسف، سالهای متمادی است که تحوّل در کتابهای معارف اسلامی دبیرستانها و دانشگاهها صورت نگرفته و مطالب نیز از ذوق مناسب و جذابیت برخوردار نیست و با طبع جوان امروزی تناسب کافی ندارد. به همین علت مطالب این کتابها جوانان را جذب و اغنا نمی کند.

4- ترویج تساهل و تسامح:

افرادی که حجاب را قید و بندی برای خود احساس کرده و مراعات آن را با آزادی مادی و جسمی خود سازگار نمی دانند و به دنبال راحتی و آسان بودن زندگی می باشند، خیلی زود به افکار و عقاید دشمن که در این زمینه القاء می شود، گرایش پیدا می کنند.

5- خلا الگوهای مناسب فرهنگی:

دشمن از این خلا فرهنگی سود جسته و با ترویج الگوهای مصرفی، بی بند و باری در میان جوانان و نوجوانان کوشیده است، قبح بسیاری از مسائل غیر اخلاقی را از بین ببرد.

6- بالا رفتن سن ازدواج:

بالا رفتن سن ازدواج، رعایت حجاب و عفاف را مشکل می کند. مشکلاتی از قبیل: بالا رفتن خواسته های خانواده طرفین، نبودن درآمد، شغل و مسکن مناسب، سبب شده است که جوانان از ازدواج دوری گزیده و با هزینه های کمتری به ارضای غریزه خود پردازند. از طرف دیگر طبع زن که طبیعتی جلوه گر و خود نما در برابر جنس مخالف است، اگر از راههای خدادادی و مشروع ارضا نشود طبیعتاً سراغ راههای دیگر و ناصحیح می رود و این مسلم است که بالا رفتن سن ازدواج بر پایین آمدن سطح حجاب و عفاف و برعکس، بی بند و باری و بی عفتی بر بالارفتن سن ازدواج اثر متقابل می گذارد.

7- عقب نشینی نیروهای مذهبی به دلیل عدم بکارگیری روش صحیح در اجرای احکام:

افراط و تفریط هایی که به دلیل عدم بکارگیری روشهای صحیح و منطقی در اجرای احکام و عمل به امر به معروف و نهی از منکر انجام گرفت، دستاویزی برای دشمن علیه نیروهای متدین شده و باعث گردیده است که آنها را نیروهای خشونت طلب معرفی کنند، این امر باعث عقب نشینی نیروهای متدین گردید.

8- وجود مسائل و مشکلات درونی و تصویر غلطی که زنان جامعه از خود دارند:

تصویری که زنان در جامعه از خود دارند، تصویر صحیحی نیست و از آن ناراضی اند. متأسفانه زن به عنوان جنس ضعیف، موجودی انفعالی و عامل ارضای غرایز جنسی، ناکارآمد و حاشیه ای معرفی می شود و این خلاف تصویری است که مذهب و دین از او ترسیم می کند. زن از 9 سالگی به عنوان عضو رسمی جامعه وارد نظام عقیدتی می شود و به بلوغ می رسد ولی از آنجا که تربیت ما با اخلاق الهی فاصله دارد، تصویری که از زن ارائه می کنیم و آن

را به دختران خود القا می‌نمائیم، تصویر ضعیفی است. همچنین گاه شخصیت‌های فرهنگی نگرش صحیحی نسبت به زنان ندارند. کسی که به زن نگاه ابزاری داشته باشد نمی‌تواند برای تعالی او برنامه ریزی کند. با این دیدگاه اشتغال زنان اصل می‌شود و گویا همه نیازهای زن به نیازهای مادی منحصر می‌گردد. 8)

9- تلاش برای جدائی جوانان خصوصا دختران از کانون خانواده:

زیرا با جدائی آنان از خانواده ارضای عاطفی صورت نمی‌گیرد و آسیب‌پذیری و آمادگی برای القانات بیگانه دو چندان می‌شود.

10- بیگانگان با اتخاذ راهکارهایی برای عدم کارآئی فرهنگ دینی و با شعارهای فریبنده و سست کردن اعتقادات مردم به دین زدائی پرداخته‌اند.

حجاب و عفاف را سدی در برابر آزادی زن معرفی کرده و اظهار می‌دارند که اسلام مانع آزادیهای خدادادی زن است یا مانع رسیدن به مدارج عالی تحصیل و فعالیت‌های اجتماعی است. سهمگین‌ترین بخشی که دشمن ابزارش را قوی‌تر کرده، وارد شدن به تحلیل فکری جوانان و والدین است. بسیاری از تحلیل‌های افراد با ارزشهای دینی همخوان نیست. و این نشان دهنده آن است که بسیاری از حساسیتها و ارزشها و اعتقادات دینی در سایه تبلیغات گسترده بیگانه، سست و کمرنگ شده و گاهی هم ارزشها به ضد ارزشها تبدیل شده است. و والدین نیز نسبت به تربیت دینی فرزندان حساسیت لازم و کافی را ندارند. شکل‌گیری انواع گروه‌های ضد اخلاقی و وارد شدن جوانان به گروه‌هایی از قبیل: رپ، هوی متال و... آرایش کردن دختران به انواع طرحها و مدل‌های زننده، شاهد مثالهائی بر این مدعا است.

راهکارهای اجرایی عفاف

هرچه بر میزان پیشرفت و توسعه علمی بشر امروز افزوده می‌گردد، نیاز او به اخلاق، معنویت و ارزشهای انسانی بیشتر می‌شود. علت اینکه چرا هر روز گرایشهای دینی در سطح جهان بیشتر خود نمائی می‌کند، آیا جز این است که پیشرفت و توسعه تکنولوژی بدون لحاظ نیازهای حقیقی انسان به امور دیگر، هرگز نتوانسته پاسخگویی خواسته‌های درونی انسانها باشد؟

حال چه باید کرد؟ چگونه می‌توان برای بهبود وضعیت انسانها و به ویژه قشر جوان که نقش بیشتری در آینده‌سازی فردای جامعه دارند راهبرد عملی ارائه داد؟ آنچه در ذیل آمده است بخشی از راهکارهایی است که با سرمایه‌گذاری در جهت اجرای آنها می‌توان شاهد جامعه‌ای با هویت و بالنده بود.

1- تقویت ایمان:

یکی از راههای مبارزه با فساد و گناه (بلکه مهم‌ترین آنها)، تقویت ایمان است. تلاش برای بیداری وجدانها، توجه دادن به خدا و حسابرسی روز جزا، مسئله عمل و عکس‌العمل در نظام جهان، سبب تقویت ایمان در انسان است. ایمان بازدارنده از گناه، موجب روشن بینی، یافتن راه صحیح، حفظ و حراست وجود و مایه تقوا است. باید این باور و یقین در انسان بوجود آید

که جهان بی حساب و بیهوده آفریده نشده، آدمی کیفر و پاداش عمل خود را می بیند. کسانی که معتقد به خدای متعال نیستند و تقوا و ایمان در دلشان استقرار ندارد، دست به هر عمل خلافی می زنند به گفته داستایوسکی: «به هنگامی که خدا نباشد، همه کارها جایز است.»

2- دادن آگاهی های فرهنگی و اجتماعی:

تلاش برای هوشیار کردن بی خبران در مورد زندگی، ضرورت‌های آن، بیان مفاسد و بی بند و باریها، عواقب بد امور، عوارض بی عفتی و بی حجابی در جامعه از راه‌های اصلاح جامعه است.

باید افراد آگاهی یابند که ترویج بی عفتی و بی حجابی در جامعه از توطئه ها و دسیسه های اجانب و استعمارگران است.

«مستر همفر»، جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی، در خاطرات خود می نویسد:

«در مسئله بی حجابی زنان باید کوشش فوق العاده ای به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی حجابی و رها کردن چادر مشتاق شوند، پس از آنکه حجاب زن با تبلیغات وسیعی از میان رفت و وظیفه ماموران ما آن است که جوانان را به عشق بازی و روابط نامشروع با زنان تشویق کنند و بدین وسیله فساد را در جوامع اسلامی گسترش دهند. لازم است زنان غیر مسلمان کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند، تا زنان مسلمان از آنها تقلید کنند.»⁹

و یا «فرانتس فانون» در کتاب «انقلاب الجزایر» می نویسد:

«اگر بخواهیم به تار و پود جامعه الجزایری، هجوم بریم و استعداد مقاومت آنان را از میان برداریم، در ابتدا زنها را تحت سلطه قرار دهیم.» آنها با صراحت می گفتند: «زنهارا در دست بگیریم، همه چیز به دنبال آنها خواهد آمد.»

«فرانتس فانون» می گوید: «هر چادری که دور انداخته شود، افق جدیدی را که بر استعمارگر ممنوع بود، در برابر او می گشاید، و بدن الجزایری را که عریان شده است، تماماً به او نشان می دهد. و پس از دیدن هر چهره بی حجابی، امیدهای حمله ور شدن اشغالگر، ده برابر می شود. هر چادری که می افتد و هر چهره ای که به نگاه جسور و ناآرام اشغالگر عرضه می گردد، برگردان این معنی است که الجزایر، به انکار وجود خویشتن آغاز کرده و هتک ناموس را از جانب اشغالگر پذیرفته است.»¹⁰

خداوند متعال در قرآن در باره توطئه و برنامه ریزی منافقان در زمینه نفی عفت عمومی، می فرماید:

«ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین امنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا و الاخرة و...»¹¹

یعنی منافقان کسانی هستند که به اشاعه فساد و فتنه گری تمایل دارند و مرحله اول کارشان گسترش وسوسه و هوس است، سعی می کنند به هیجانات عاطفی جوانها دامن بزنند تا فساد در بین ایمان آورندگان علنی شود.

3- بهبود بخشیدن وضع معیشتی مردم و رفع مشکلات اقتصادی:

علامه طباطبائی (ره) در این باره می نویسد: «قطعا مهم ترین چیزی که جامعه انسانی را بر اساس خود قوام می بخشد و پایدار می سازد، امور اقتصادی جامعه است که خداوند آن را مایه قوام و برپایی اجتماع قرار داده است و اگر گناهان، جرائم، جنایات، تعدیات و مظالم، مورد بررسی و آمارگیری قرار گیرد، در تحلیل نهایی به این نتیجه می رسیم که علت بروز آنها یا فقر مفرطی است که انسان را به اختلاس اموال مردم از راه سرقت، راهزنی، آدم کشی، گرانفروشی، کم فروشی، غصب و سایر تعدیات مالی وادار می کند، و یا ثروت بی حساب است که انسان را به اتراف و اسراف در خوراک و پوشاک و ازدواج و تهیه سکنی و بی بند و باری در شهوات و هتك حرمتها و گسترش تعدی و تجاوز به مال و ناموس و جان مردم وا می دارد.»¹²

اگر در مقابل این فقر و غنای مذموم، قناعت را پیشه خود کنیم، آسایش و راحتی فراهم می شود. در چنین وضعی عفت ورزی معنا می یابد و راه تعالی گشوده می شود.

«من اقتنع بالكفاف اداه الي العفاف»¹³

هر که به کفاف قناعت کند به پاکدامنی کشانده می شود.

بنابراین این کوشش در وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم و تقسیم عادلانه ثروت در جامعه می تواند عاملی برای رسیدن جامعه به سعادت و صلاح (حیات طیبه) باشد...

4- معرفی الگوی مناسب برای جوانان:

جوانان که آینده ساز فردای جامعه اند، نیازمند مدل و الگو می باشند. فرزندان ما در مدت کوتاهی رشد کرده و وارد جامعه می شوند. ازدواج کرده و در نقش مادری و یا پدری به انجام وظیفه می پردازند. طبعا باید موضوعی را در زندگی انتخاب و به اتخاذ راه و روشی بپردازند. این برایشان مهم است که بدانند بر اساس چه الگو و چه روشی باید به پیش روند و چه کسانی حق دارند پیشوا و قائدشان در جریان زندگی باشند. جستجوی الگو و مدل برای زندگی شان يك اصل و يك فائده است و طبیعی است که هر قدر مدلها کامل تر و سالم تر و جامع تر باشند امکان رشد و موفقیت برایشان بیشتر است. وجود زمینه تقلید در انسان و میل به قهرمان جوئی سبب می شود که بسیاری از افراد ناخودآگاه به دنبال الگویی روان شوند. و همه حرکات و روشها و پوششها و آرایشهای خود را بر آن اساس استوار سازند. در نظام تربیتی اسلام به ارائه مدل توجه بسیاری شده است. خداوند در قرآن به معرفی انسانهای نمونه اعم از زن و مرد پرداخته و مومنان را به انتخاب راه و روش آنها رهنمون می دارد. در نقش کلی و اساسی تربیتی، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) برای مردم اسوه است. «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة»¹⁴ و به دنبال ایشان حضرت فاطمه (سلام الله علیها) اسوه است که سیده نساء عالمین، پیشوای عظیم الشان زنان و پاسدار حریم عفاف است.

حضرت یوسف (علیه السلام) حضرت مریم (سلام الله علیها) که دو مظهر عفافند، اسوه اند. «اگر انسانی وارسته شد، الگویی دیگر انسانها است، اگر مرد است، الگویی مردم است نه مردان و اگر زن است، الگویی مردم است نه زنان.»¹⁵

بنابر این سیاستمداران حکومت دینی باید به این اصل توجه بیشتری کرده و با معرفی و تبلیغ الگوهای مناسب و موفق این خلا را در جامعه پر کنند تا جوانان راه را به اشتباه نرفته و فلان خواننده و هنرپیشه و یا بازیگر غربی را مدل خود قرار ندهند.

5- تسهیل در امر ازدواج و ارائه آگاهیهای لازم در این خصوص:

ازدواج یکی از مراحل معقول زندگی هر انسانی به شمار می رود و اجتناب از آن مسلماً صدمات جبران ناپذیری را به حیات انسانی وارد می سازد. از اهم وظایف برنامه ریزان، مسئولین، خانواده ها و ... این است که باید زمینه ازدواج جوانان را فراهم و ساده تر نموده و آنها را به این امر مهم تشویق نموده و سعی نمایند موانع و مشکلاتی از قبیل: شغل، مسکن و نداشتن استقلال اقتصادی که جوانان بر سر راه ازدواج خود احساس می کنند را مرتفع سازند. وسائل ارتباط جمعی در جهت نزدیک کردن ملاکهای متضاد والدین و جوانان که در واقع ناشی از اختلاف نگرش و دیدگاه دو نسل متفاوت است بکوشند، و تلاش نمایند تا فرزندان جوان بتوانند از تجربیات والدین خویش بیشتر استفاده نمایند و والدین نیز در الگوهای همسرگزینی به نگرش و عقیده جوانان اهمیت بیشتری دهند. و برای آگاهی بهتر جوانان در خصوص ازدواج به ایجاد مراکز مشاوره ازدواج، مراکز آگاهی بخش در خصوص انتخاب همسر، برگزاری سمینارهایی با موضوع ازدواج پرداخته شود. تا بدین وسیله زمینه ازدواجهای موفق فراهم شود و زمینه بروز انحرافات، هرچه بیشتر از بین برود.

6- اتخاذ سیاست هائی به منظور ایجاد محیط های امن برای بانوان:

اگر محیط های شغلی زنان امن باشد و تماس آنها در محیط کار با نامحرم کمتر شود، فشاری که از ناحیه حفظ حجاب برای عده ای ممکن است ایجاد شود، کاهش می یابد.

7- ایجاد مراکز تفریحی، ورزشی و هنری:

این مکانها ضمن ایجاد محیطی سالم برای اوقات فراغت جوانان باید از جاذبه های خوبی نیز برخوردار باشد.

8- نظارت و کنترل بر واردات محصولات فرهنگی.

9- شناسایی، تعزیر، تهدید و برخورد با مفاصد اجتماعی توسط دستگاه قضائی و نیروهای انتظامی.

حمیده عامری

کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق
فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

پی نوشتها:

- 1- روح القوانین، منتسکیو، ص 107.
- 2- چرا فرانسه شکست خورد، آندره موروا.
- 3- تمدن اسلام و عرب، ص 333-335.

- 4- عنكبوت، 40.
- 5- المستدرک، باب نکاح، ج 5، ص 69.
- 6- روزنامه آفتاب، شماره 404، مورخه 80/4/7.
- 7- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره 2063، مورخه 80/4/21.
- 8- اقتباس از کتاب فرهنگ حجاب بیم ها و امیدها، ص 46-49.
- 9- خاطرات همفر، ترجمه دکتر محسن مویدی، ص 84.
- 10- انقلاب الجزایر، فرانتس فانون، ص 14.
- 11- نور، 19.
- 12- تفسیر المیزان، ج 9، ص 248.
- 13- شرح غررالحکم، ج 5، ص 257.
- 14- احزاب، 21.
- 15- زن در آئینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی، ص 153.